

مدخل*

از ابتدای شکل‌گیری شیعه پژوهی تاکنون، رویکردهای گوناگونی در مواجهه با اندیشه تشیع و مطالعه شاخصه‌های فکری آن، در حوزه‌های پژوهشی اعم از آکادمیک و سنتی اتخاذ شده است. به‌ویژه در بازخوانی محورهای امامتی مذهب اثناعشری، مسیرهای گوناگونی از جمله کلامی، معرفت‌شناسی، تفسیری، نسخه‌شناخت منابع، پدیدارشناسی، تاریخی‌نگری و غیره طی شده است.

«روش تاریخی‌نگری»^۱ که در سنوات اخیر نمود بیشتری خصوصاً در عرصه آکادمیک یافته، براساس ریشه‌ها و تحولات تاریخی به بررسی مؤلفه‌های اعتقادی می‌پردازد و درصدد بررسی عوامل تاریخی پیدایش یک موضوع اعتقادی است.

* با تشکر از جناب آقای محمدعلی دزفولی که دبیری علمی این پرونده را برعهده داشتند.

از اصلی‌ترین کانون‌های روش تاریخی نگری در مطالعات امامیه می‌توان به سیرت‌طور یک مفهوم اعتقادی، تحولات یک اندیشه در مسیر تاریخ، ارزیابی گستره شمارگان باورمندان به یک عقیده در درون مذهب، رویکردهای تقابلی و تعاملی فرق درونی تشیع، بررسی تأثیر و تأثر احتمالی میان شیعه و دیگر فرق مسلمین، استراتژی رهبری امامان شیعه در ادوار مختلف، بازخوانی اندیشه فردی اصحاب و رویکردهای ائمه به باورهای موجود در جامعه شیعه اشاره کرد.

این روش در عرصه مطالعات امامیه از بعضی جهات به حقیقت رهنمون پنداشته شده و از منظر برخی، برای نیل به جوهره باور تشیع رهن دانسته شده است. از آنجا که پیش‌فرض این روش آن است که هر پدیده در بستر حوادث و جریان‌های تاریخی به وقوع پیوسته است، براین اساس بررسی پدیده‌ها را جدا از شرایط تاریخی آن‌ها غیرممکن می‌داند؛ و چون مبنای این روش نوعاً تحلیل براساس معیارهای مادی و تجربی تاریخی بوده و نقش عوامل ماورائی را نادیده می‌گیرد، بالطبع نتیجه‌ای که از این روش حاصل می‌شود، به‌راحتی می‌تواند ادعای برساختگی یا انگاره غیرمطابق با واقع یا اغراق‌آمیز بودن را بر برخی باورها تحمیل کرده و آن‌ها را به‌عنوان پدیده‌ای که زائیده تحولات تاریخی است معرفی نماید.

هرچند شماری معتقدند که با به‌کارگیری عینک مناسب و عصای مراقب، می‌توان از این فرصت شایان، بهره‌ی نمایان برد و تا حدود زیادی به مقصد رسید، اما در عین حال منکر این حقیقت نشده‌اند که برخی شیعه پژوهان با استنادهای موردی و یا نگاه محدود و حداقلی به شواهد تاریخی و عدم روشمندسازی تبیینی مطالعات خود، برداشت‌هایی از شیعه ارائه داده‌اند که دیدگان اصیل امامیه از نگرستن بدان احساس شگفتی می‌کنند و طیف نوگرایی از خوانندگان آن نیز از دگردیسی در باورهای خود احساس شغف می‌نمایند.

از دیگر سویی، این رویکرد تاریخی از ابهامات روشی و چالش‌های مفهوم شناختی رنج می‌برد که تاکنون به دست خاورشناسان و نیز نگارندگان امامیه از هندسه‌ای شاخصه‌مند برخوردار نشده و نیازمند بازخوانی و بازنگری است تا به نگاهی منقح دست یازد.

به هر روی، اهمیت رویکرد علمی به این روش نوپا ضرورتی است که بر جامعه نویسندگان و خوانندگان پوشیده نیست. لذا امامت پژوهی بر خود لازم دید در این عرصه پرونده‌ای بگشاید و با طی گام‌هایی منطقی و در چارچوب اسلوبی هدفمند، به ارائه اندیشه‌ها و دستاوردهای پژوهشی در این زمینه پردازد. همچنین لازم به تذکار است که میزان تناسب این موضوع با نشریه امامت پژوهی - با اذعان به اینکه گستره مفاهیم اعتقادی امامیه همچون توحید و معاد و سایر زمینه‌های اعتقادی، وسیع و با کرانه‌ای گسترده است - اما چون موضوع امامت و شاخصه‌های فکری تشیع مرتبط با امامت، نمود بیشتری در عقاید شیعه دارد، امامت پژوهی اهمیت پرداختن به این عنوان را بی‌تناسب با موضوع محوری نشریه ندانسته و چه بسا از مهم‌ترین عرصه‌های نشر آراء و نظرات تلقی می‌نماید؛ که می‌توان نمونه‌هایی از پرداختن به آن را در شماره‌های قبلی امامت پژوهی البته به‌طور تک‌نگاری و پراکنده، جستجو و مرور کرد.^۱

۱. این نمونه‌ها که بعضاً تا حدودی منطبق و بعضاً مرتبط با این روش تاریخی هستند عبارت‌اند از: پدیدارشناسی در تقابل با تاریخی‌نگری، مطالعه موردی [موضوع] امامت (شماره ۷ امامت پژوهی) بررسی شواهد باورمندی شیعه به مقام مفترض الطاعه بودن امام؛ با تأکید بر سه قرن اول (شماره ۹، همان)

چالش‌زیدیه پیرامون افتراض طاعت اهل بیت در نیمه اول قرن دوم (همان)
سایر نشریات مرتبط (صرفاً جهت آشنایی و معرفی نمونه):
کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها / نیز اکثر مقالات این شماره نمونه‌های مناسبی هستند (شماره ۶۵ نقد و نظر)

مرحله شیعه (شماره ۶۷ نقد و نظر)
مراحل تبیین اصل امامت در عصر حضور (شماره ۲ تحقیقات کلامی)
بررسی تأثیر شیعیان کوفه از فرهنگ رأی و قیاس در نیمه اول سده‌ی دوم (شماره ۳ همان)
مناسبات امامیه و زیدیه (از آغاز غیبت صغری تا اقول آل بویه) (همان)

پرونده حاضر که نخستین گام‌ها از تلاشی منسجم برای واکاوی فرصت‌ها و چالش‌های «روش تاریخی‌نگری» است، بی‌شک فتح اولین باب‌ها در این زمینه و پیش‌درآمدی است بر پرونده «روش‌شناسی تاریخی‌نگری در مطالعات امامیه» که در شماره‌های بعدی این نشریه مدنظر بوده و در پی بازشناسی جنبه‌های این رویکرد تاریخی است. لذا امامت‌پژوهی، پیشاپیش دست نویسندگان و محققان صاحب‌نظر در این عرصه را به گرمی می‌فشارد و آمادگی دریافت ایده‌ها و آرای نگارندگان محترم است.

پیش‌درآمد حاضر در صدد ارائه نمونه نگارش‌هایی است که در حیطه نظری و کاربردی، به این مهم پرداخته‌اند و در قالب ۴ مقاله، تهیه و تنظیم گشته است. نوشته‌هایی که در این پرونده ارائه فکر کرده و دغدغه‌های نگارندگان خویش را ترسیم کرده‌اند، در چند رده محتوایی قابل تقسیم‌اند:

مقاله اول که رویکردی نظری را دنبال می‌کند، با عنوان مدل تأثیر عناصر تاریخی بر تبیین اصل امامت به رشته تحریر درآمده است. این نگاه، ارائه‌دهنده الگویی در تحلیل تاریخی است که با شناسایی زمانه و رویدادهای معاصر آن رخ می‌نماید. نویسنده معتقد است ارائه و تبیین آموزه‌های عمیق شیعه، نیازمند بستری مناسب است که تحقق آن در ارتباط مستقیم با همسویی یا عدم همسویی عناصر اثرگذار تاریخی یا همان اجزاء سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

واکاوی رابطه کلام و تاریخ فکر در مطالعات شیعه‌شناسی (شماره ۱۸ مطالعات تاریخ اسلام)
البته این معرفی در پی احصای تمامی آثار نگاشته شده با محوریت این روش نبوده، اما به جهت اهمیت و رونمایی اولیه از پژوهش‌های انجام‌شده در میان اندیشمندان امامیه که دارای رویکردی تاریخی‌نگر و یا بعضاً نقادانه نسبت به آن هستند به چند مورد نزدیک‌تر از لحاظ زمانی اشاره می‌شود. تا برخی از ابهامات نسبت به اینکه گویی تنها قلم غرب به این رویکرد سایه افکنده و درون مذهب از این دست نگارش‌ها خالی است تا حدودی برطرف گردد و کارنمای نسبتاً موفق صرفاً به عنوان نمونه و جهت آشنایی بیشتر با پیشینه آن در حوزه تشیع ارائه گردد.

است. تأثیر این عناصر بر روند ارائه اجمالی - تفصیلی دستگاه معرفتی شیعه و تبیین آن در دوره‌های مختلف حضور - امامان بدون پیدایش تغییر در مبانی آن - مهر تأیید می‌نهد.

پس از ارائه این نظرگاه، دو نمونه عملی در بهره‌مندی از روش تاریخی عرضه شده است.

مقاله دوم با عنوان پدیدارشناسی جایگاه امامت و مقامات امامان علیهم‌السلام در عقاید عبدالله بن ابی یعفور؛ در مطالعه‌ای موردی بر روی باورهای عبدالله بن ابی یعفور، با ارائه تصویر روشنی از سیمای عقیدتی او خصوصاً با نگرش پدیدارشناسانه، سعی نموده تا چالش‌های موجود در برخی روش‌های تاریخی نگری را بررسی و رونمایی کند؛ چراکه برخی از نویسندگان جدید با استناد به چند گزارش تاریخی، تلاش نموده‌اند او را جزء معتدلین شیعه معرفی کنند؛ در نظر ایشان، اعتدال به معنی عدم اعتقاد به مقامات الهی اهل بیت علیهم‌السلام است. این نگاه که رویکردی تاریخی دارد و با اکتفا به چند گزارش معدود شکل گرفته است، به عنوان مستمسکی بر تکاملی نشان دادن باورهای شیعی و نیز وجود اختلاف عقیدتی در میان اصحاب معاصر ائمه مورد استناد قرار گرفته است. علاوه بر آن در این مقاله سعی شده تا از منظر پدیدارشناسی، برخی نارسایی‌هایی که از نگرش صرفاً تاریخی و بدون شناسایی باورها سرچشمه می‌گیرد، نشان داده شود.

دومین مطالعه موردی این پرونده با عنوان دیدگاه‌های غضائری و ابن غضائری درباره مقامات امامان علیهم‌السلام (با نگاهی انتقادی به قرائت غیرالاهی از امامت)؛ به باور نگارنده محترم، این قرائت برخاسته از کج‌فهمی یا نقص نگرش در دیدگاه‌های یکی از علمای شیعه به نام ابن غضائری است. او که از رجالیان مهم و آگاه بر تصنیفات شیعیان بوده، دیدگاه‌هایش درباره مقامات امامان علیهم‌السلام و حدود غلو، حائز اهمیت

است. در این مقاله با استفاده از شواهد تاریخی، احادیث روایت شده از سوی ایشان و متن کتاب الضعفاء منسوب به ابن غضائری، نشان داده شده است که غضائری پدر و پسر از معتقدان به امامت منصوب از ناحیه خداوند بوده و امامان علیهم السلام را واجد کمالاتی چون عصمت، علم و هبّی، آگاهی بر مغیبات و توانایی های خارق عادت می دانسته اند.

در پایان پرونده، یکی از مقالات شیعه پژوه انگلیسی تبار، آقای رابرت گیلیو که با عنوان آخرین تحقیقات در تاریخ تشیع متقدم معنون گشته، گزارش قابل اعتنایی از نگاه غربی ارائه می دهد. علت انتخاب این مقاله، بازنگری نمونه ای از نگاه های غربی برای شناسایی نقاط فراز و فرود خاورشناسان شیعه پژوه است. این مقاله شمای کلی ای از پژوهش های اخیر در مورد تاریخ متقدم اسلام شیعی را با توجه ویژه به شیعه اثناعشری یا امامی ارائه می دهد. لازم به تذکر مؤکد است که لزوماً تمام محتوای مقاله مورد تأیید این نشریه نیست و هدف اصلی، نشان دادن روندی است که در آغاز سخن بدان اشاره شد؛ و شاهدی است بر ادعای اینکه بسیار راه نرفته مانده و بسیاری که راه چنین رفته اند باید برون کشند از این ورطه رخت خویش

در انتها یادآوری مجدد این نکته ضروری است که این گام از اولین ردپاهای نقد و شناسایی چالش ها و فرصت های روش تاریخی را نقش داده و پرونده این موضوع کماکان مفتوح است و امامت پژوهی، صمیمانه از همپایی و همراهی سایر امامت پژوهان و شیعه شناسان، در تکمیل و ارائه نظریات نوین، طلب یاری دارد.